



۲۰۱۵-۰۳-۲۴



صالحه و هاب واصل

هزاران فرخنده دیگر زاده است (مرگ فرخنده)

هرکرا جرمیست میگویند، به دوزخ میروند
دوزخ، ار جرمی کند کابل روانش میکنیم



وحشت، پا از حدودش بیرون نهاده است، عدالت مرده، خون داد خواهان از آب مُرداب هم کم ارزش تر شده است. تشنجات و درگیری های سی و شش ساله در افغانستان دیگر عقل سلیم و فکر سالم را از اذهان یک عده از افغانان به نام انسان و در فطرت شیطان، زدوده و نتیجه تزییقات افکار متعصبانه توسط بیگانگان درین جمجه های میان خالی جز تقویت وحشت و دهشت چیزی دیگری نبوده است. وای به حال آن هموطنان بی دانش و نادان ما که درگیر دام چنین گروه ها شده، حس انسانی شان را در برابر پول و یک شکم غذا فروخته اند و از کم آگاهی و نادانی وجدان شان را قربانی اهداف شوم این خدا ناترسان کرده اند.

قتل فرخنده و این طریق پیشآمد توسط این بنام انسان ها، با یک همونوع شان در عصر حاضر قبیح ترین حرکتی شمرده میشود که تا حال در تاریخ افغانستان رخ داده است. قتل فرخنده جرعه طوفان زایی است که آتش فشانی را در قبال دارد. این آخرین قطره صبر ملت افغانستان است که سر آمده است. ما خشونت های هجده گانه ای چون کذب، دروغ، ریا، وحشت، دهشت، افتراء، توهین، تحقیر، اهانت، غضب، چپاول، تجاوز، بی آبرویی، خون آشامی، ضرب و شتم، مثله عملی کنند.

گله من درین نوشته از آن موجودات بی احساس فقط زنده دهشت افکن نیست که فرخنده را با ضرب و شتم قصاص کرده آتش زدند، گله از دولت بر سر اقتدار است که همه روزه داد از عدالت، صلح، دیموکراسی و امنیت میزند. اسم زن را با خط زرین روی صفحات رسانه های جمعی اطلاعاتی نوشته برای بقایش سود میبرد. گله از محاکم و مراجع قضاییست، گله از وزارت های عدلیه، اطلاعات و فرهنگ، داخله و ریاست امنیت شهر است، گله از وزارت زنان است، گله از وکلای شهر و منطقه است، گله از آن گروه پولیس های امنیتی است که به جای نجات فرخنده از زیر مشت و لگد چند تا وحشی، مردم عام و یا تماشاگران را مانع عکاسی و فلم برداری میشوند. وقتی از پولیسی پرسیده

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

میشود که "چه شد که شما نتوانستید این دختر را نجات دهید؟" پولیس با چهره بسیار حق به جانب می فرماید: "والله زور **مرد**، دیگه چیزی کرده نمی توانستیم" چرا آغا جان؛ مگر شما **مرد** نبودید؟

عزیز هموطن! تا جایی که ما میدانیم و می بینیم درین کشور ها برای ۱۰۰۰۰ دهشت افکن اینها از ۵۰ تا ۱۰۰ پولیس زیاد تر نمی فرستند. مگر در افغانستان برای ۵۰ دهشت افکن ۲۰۰۰ پولیس باید حاضر باشد؟ و یا اینکه برای هر فرد افغان یک پولیس تربیه شود که در کنار سی و شش میلیون تبعه افغانستان سی و شش میلیون پولیس موجود باشد. آیا ازین پائین تر و پوچ تر کدام دلیلی وجود خواهد داشت که کسی در محضر عام به سویه یک رسانه تصویری جهان نما استدلال کند؟ طبعاً که نه... اما؛ اگر چنین است؛ لطفاً این ننگ را از پیشانی افغانستان پاک کنید که شما **محافظ مردم و ملت** هستید. بگذارید مردم خود شان از خود دفاع کنند. لطفاً با یونیفورم های سمبولیک تان به چشم مردم خاک نزنید و با گفتن اینکه در سراسر افغانستان صلح و امنیت برقرار است، عذر میکنم اعتماد و احساسات باورمندانۀ مردم بیچاره بی دفاع ما را به بازی نگیرید. مردم ستم کشیده ما به اندازه کافی ضربه دیده و زخم خورده اند. اگر سنگ هم می بودند آب شده بودند.

شاید اگر امید و اعتماد به پولیس امنیتی در شهر کابل نمی بود، پیدا می شدند انسان های به واقعیت انسان دوست و خدا شناس که این مظلوم را از دست این وحشیان نجات دهند، حد اقل از مرگ نجاتش دهند.

مرگ فرخنده دیروز، هزاران فرخنده امروز را زاده است، آب زلال شکیبائی از کاسه صبر مردم سر رفته است. دیگر آتشدان خشونت های جامعه مردسالاری رو به خاکستر شدن است. خواهران با شهادت فرخنده شهید برای اولین بار برای جهانیان همبستگی و باهم ایستادگی شان را ثابت ساختند و عملی را انجام دادند که تا امروز جز توسط مردان چنین عملی از جانب زنی (زنانی) اجراء نشده بود و آن انتقال تابوت و به خاک سپاری خواهر شان فرخنده نامراد، بدست خواهرانش بود.

به نمایندگی از تمام زنان افغان در سراسر جهان و افغانستان، نخست از محترم اشرف غنی، ثانیاً از محاکم و مراجع قضایی، وزارت داخله، وزارت عدلیه وزارت زنان، ریاست امنیت، صمیمانه و بسیار جدی تقاضا به عمل می آید که قوم گرایی و خویشاوندی، دوستی و یا مقام و منزلت، گرفتار نموده در محضر عام پس از انتخاب جزاء توسط والدین فرخنده شهید به جزای اعمال شان برسانند.

کجا هستی خدایا!!؟

کجا هستی خدایا! کین همه وحشت به راه افتد
«روانی» بودن زن هم به قانون، گناه افتد

کجا هستی خدایا! تا به چند همچون قساوت ها
چه کم آری، به مظلومی ار از تو، یک نگاه افتد

چرا در سرزمین مرگ، هست زن روا کردی؟
که مردی جای تو قاضیست، مردی هم گواه افتد

چرا یارب در آن صدر جهان آرام بنشستی
نمی خواهی که زن هم، دامنت را در پناه افتد

چسان دیدی که این معصوم معیوب و ز خود بیرون
به ضرب و شتم میرد، سوزد در آتش، سیاه افتد

کجا شد ای خدا رحم ات، کجا شد عدل رحمانی
که دهشت افگنی، جایب به قبض روح، راه افتد

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

چرا فرخنده معصوم را کمبود عقلانی
دلایل کفر او گردیده در آتش چو گاه، افتد

بدرگاه کی باید رفت یارب، غیر دربارت
کدام است آن قضاوت گاه، تازن دادخواه افتد

الهی طاقت من رفت از دستم پناه هم ده
بین کز رگ رگ جانم غم و افسوس و آه افتد

دلم صد پاره شد بر مادر «فرخنده» که آیا!
کجا بهر نجات دخترش بر پای شاه افتد

خداوندا! دگر بس این تعدی بر زن افغان
که زن را بعد تو در خلق انسان عز و جاه افتد

دلم خواهد ببندی این قصابان را به زندانی
کلید درگه زندان در اعماق چاه افتد

بنام تو قسم یارب، که «واهب» از غضب لرزد
دعا گوید که کاخ این ستمگاران، تباه افتد

۲۰۱۵

(۱)- روانی: هدف از مریضی روانیست که فامیل فرخنده ادعاء نموده اند که دخترک شان از دیر زمانی این مشکل را پیدا کرده بود.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د لپکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ